

مقاله پژوهشی

نوآوریهای سبکی فارغ گیلانی و ویژگیهای شعری او در فارغنامه

ابوالفضل مرادی رستا^{۱*}، علی محمد مؤذنی^۲، معصومه بهبودی^۳

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، پردیس البرز، ایران.

اردیبهشت ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۲، صفحات ۲۲۵-۲۴۴

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۳۵۵

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: «حسین بن حسن رودسری گیلانی» با تخلص شاعری «فارغ» یکی از شاعران ناشناخته ایران در قرن دهم و دهه‌های آغازین قرن یازدهم در عرصه سرایش حماسه دینی است. در این مقاله بر آنیم که ضمن معرفی اجمالی این شاعر گرانقدر و دیوان فارغنامه، به بررسی ویژگیهای سبکی و محتوایی این نسخه از سه منظر فکری، زبانی و ادبی بپردازیم.

روش مطالعه: پژوهش حاضر براساس شیوه اسنادی (کتابخانه) و بر پایه مطالعه مستقیم ابیات فارغنامه بوده است. برای انجام این پژوهش، ویژگیهای سبکی، محتوایی فارغنامه ریزبریز و نکته به نکته استخراج شده و آنها را بطور مختصر و مفید مطرح کرده‌ایم.

یافته‌ها: فارغنامه همچون دیگر حماسه‌های دینی دوره صفوی آمیخته‌ای از واقعیت و افسانه است که البته گاه جنبه داستانی و خیالپردازی شاعرانه بر واقعیت برتری دارد؛ اگر چه وجود حضرت علی (ع) یک امر حقیقی در این داستانها محسوب میشود ولی هیچگاه برای ایشان چنین صحنه‌هایی روی نداده و چنین جنگهایی که تاریخ گواه آن باشد، مشاهده نشده است. سرزمینهای موردنظر نیز در فارغنامه ناشناخته است.

نتیجه‌گیری: منظومه فارغنامه، علی‌رغم اینکه دارای ابیاتی سست و سرشار از ایرادهای لفظی و معنوی است، کتاب موردپسند جامعه مذهبی است. ازجمله ویژگیهای شعری این شاعر، استفاده فراوان از صنایع بدیعی در حوزه بدیع لفظی و معنوی است که از این میان، جناس در حوزه موسیقی درونی، و تشبیه در حوزه موسیقی معنوی پرسامدترین آرایه‌های ادبی هستند. از دیگر ویژگیهای این نسخه خطی بکارگیری ردیفهای فعلی است؛ بگونه‌ای که بخش زیادی از اشعار دیوان، مردف هستند. عیوب قافیه نیز در منظومه فارغنامه بسیار دیده میشود. از مهمترین مضامین فکری این کتاب، میتوان مواردی را چون «بنمایه‌ها و باورهای اساطیری، اندیشه‌های اخلاقی، اندیشه‌های مذهبی، مدح و ستایش، دعا و اصطلاحات نجومی» ذکر کرد.

تاریخ دریافت: ۰۹ آذر ۱۳۹۷

تاریخ داوری: ۱۳ دی ۱۳۹۷

تاریخ اصلاح: ۲۵ دی ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۱۴ اسفند ۱۳۹۷

کلمات کلیدی:

فارغ گیلانی، فارغنامه، حماسه دینی، حضرت علی (ع).

* نویسنده مسئول:

a.moradirasta@cfu.ac.ir

۶۶۴۹۱۴۳۷ (۲۱ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Faregh Gilani's style innovations and his poetic features in Fareghname

A. Moradi Rasta*^۱, A.M. Moazani^۲, M. Behboodi^۳

^۱- Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Iran.

^۲- Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

^۳- Department of Persian Language and Literature. University of Tehran. Alborz Campus. Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۲۰ November ۲۰۱۸

Reviewed: ۰۳ January ۲۰۱۹

Revised: ۱۵ January ۲۰۱۹

Accepted: ۰۳ February ۲۰۱۹

KEYWORDS

Faregh Gilani, Fareghname, religious epic, Hazrat Ali (AS).

*Corresponding Author

✉ a.moradirasta@cfu.ac.ir

☎ (+۹۸ ۲۱) ۶۶۴۹۱۴۲۷

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: "Hussein Ibn Hassan Rudsari Gilani" with the pseudonym "Faregh" is one of the unknown poets of Iran in the tenth century and the early decades of the eleventh century in the field of composing religious epics. In this article, while briefly introducing this precious poet and the Fareghname court, we intend to examine the stylistic and content features of this version from three intellectual, linguistic and literary perspectives.

METHODOLOGY: The present study was based on the documentary method (library) and on the direct study of graduation verses. To conduct this research, we have extracted the stylistic features, the content of the dissertation in detail and point by point, and we have presented them briefly and usefully.

FINDINGS: The Fareghname, like other religious epics of the Safavid period, is a mixture of reality and myth, which, of course, sometimes has a narrative and poetic fantasy aspect superior to reality; Although the existence of Imam Ali (as) is a real thing in these stories, but such scenes have never happened to him and such wars have not been witnessed by history. The lands in question are also unknown in the Fareghname.

CONCLUSION: The Fareghname system, despite having weak verses full of verbal and spiritual flaws, is a favorite book of the religious community. Among the poetic features of this poet is the extensive use of novel industries in the field of novel words and spirituality, among which; Puns in the realm of inner music, similes in the realm of spiritual music, are the most frequent literary arrays. Another feature of this manuscript is the use of current rows; In such a way that a large part of the poems of the court are dead. Rhyme flaws are also common in the Fareghname system. Among the most important intellectual themes of this book, we can mention such things as: "Mythical principles and beliefs, moral thoughts, religious thoughts, praise, prayer and astronomical terms".

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۳۵۰

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۲۰	 ۶	 ۰

مقدمه

تحلیل زبانی و محتوایی متن بدون فراهم آوردن نسخه‌ای منقح و پیراسته بیهوده است؛ بر این اساس تصحیح متون کهن، اهمیت و ضرورت دارد و درحقیقت یکی از راههای شناخت پیشینه فرهنگی، فکری، ادبی و زبانی گذشتگان، شناخت آثار آنهاست. «حسین بن حسن گیلانی رودسری» معروف به «فارغ‌گیلانی»، صاحب دیوان «فارغنامه» یا «جنگنامه» یا «ولایتنامه» با مضمون جنگهای حضرت علی (ع) در عرصه حماسه‌های تاریخی-مذهبی است. وی همچون سرایندهگان بزرگ فارسی از جمله ابن حسام و ربیع به شرح زندگانی و نبردهای حضرت علی (ع) پرداخته است. این سروده‌ها در مدح «حضرت علی (ع)» صیغه مدح آمیخته با نوع خاصی از شعر فارسی دارد که همان حماسه‌های تاریخی و دینی است. کتاب فارغنامه همچون *خاوران‌نامه* خیالی است و بسیاری از رویدادها، مکانها و شخصیت‌های آن خیالی است. این کتاب در زمان شاه عباس صفوی که اوج مذهب تشیع است با هدف ترویج مذهب شیعه سروده شده است که سراینده آن، این کتاب را به شاه عباس صفوی تقدیم کرده است.

نگارندگان در این مقاله به بررسی ویژگیهای سبکی فارغنامه، از سه منظر فکری، زبانی و ادبی پرداخته‌اند. همچنین بدنبال پاسخگویی به این سؤال هستند که برجسته‌ترین ویژگی سبکی فارغنامه چیست؟

ضرورت و سابقه پژوهش

شاعران بسیاری در ادب فارسی هستند که شعر ناب آنها مجال پای بیرون نهادن از گنجینه‌های گران‌سنگ نسخه‌های خطی و کتابخانه‌های کهن نیافته‌اند. شناسایی، پژوهش در زندگی و شعر این سرایندهگان و نشانیدن آنان بر سریر ملک سخنوری بر گستره و غنای ادب فارسی افزوده و همچنین زمینه شناخت هرچه بیشتر ادبیات فارسی را فراهم مینماید.

تاکنون درباره احوال «حسین بن حسن فارغ‌گیلانی رودسری» پژوهش جدی صورت نگرفته است؛ جز موارد اندکی از جمله اینکه «ابراهیم فخرایی» در کتاب «در قلمرو شعر و ادب گیلان» به شمه‌ای از زندگی وی اشاره دارد و با توجه به اینکه او را با «فارغ‌رشتی» اشتباه میگیرد، اشعار «فارغ‌رشتی» را که در روزنامه «نسیم شمال» به چاپ رسیده، به وی منسوب میدانند. اولین بار «جهانگیر سرتیپ‌پور» در کتاب «نامها و نامداران گیلانی» این دو شاعر را از هم متمایز میکند و «فریدون نوزاد» نیز در مقاله‌ای مختصر که در فصلنامه «گیلان ما» به چاپ رسانده، به معرفی این شاعر و نسخه‌های خطی وی میپردازد.

روش پژوهش

روش پژوهش در این رساله توصیفی-تحلیلی است و در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده گردیده است. آنچه از ویژگی سبکی بلاغی در این اثر، مورد توجه قرار گرفته، با بررسی تک‌تک ابیات و استقراء نکات سبک‌شناسی در حوزه بلاغت این تحقیق، دارای جنبه کمی و کیفی است و از سوی دیگر، آنچه درخصوص تحقیق در نسخه صورت گرفته، تحقیق کتابخانه‌ای محسوب میگردد.

بحث و بررسی

معرفی فارغ‌گیلانی و فارغنامه

«حسین بن حسن فارغ‌گیلانی رودسری» از شاعران قرن ۱۰ و اوایل قرن ۱۱ هجری است. از خانواده و بستگان و

شرایط زندگی او هیچ اطلاعی، جز آنچه از شعر وی بدست می‌آید، در دست نیست.

نامم فارغ حسین بن احسن
وین دو اسمند اکرم و احسن (فارغنامه: بیت ۳۶)

از سال دقیق تولد و وفات فارغ، اطلاعی در دست نیست، اما در ابیاتی از مثنوی فارغنامه به گیلانی و رودسری بودن خود اشاره دارد.

خاصه گیلان است که هست مولد ما
معدن شیعیان بود به خدا

نبود رشت و گسگرم مولود
که به رودسر شدم موجود
(همان: ابیات ۳۱۵۰-۳۱۴۹)

نام شاعر حسین، پدرش حسن و از مردم گیلان میباشد. در زادگاه خود به تحصیلات دینی پرداخت. مردی آگاه و متقی به سرور متقیان «علی بن ابی طالب (ع)» شناخته شد. برای تکمیل دانش سفری به نجف اشرف نمود، ولی معلوم نیست در محضر درس کدام استاد حضور یافت و تا کدام درجه کمال پیش رفته است. بنا بر گزارش خود او به هنگام بازگشت به ایران در سال ۹۸۰ چون تحمل دوری از زادگاه را نداشت، از راه بغداد به گیلان بازگشت. آنگاه که به رودبار رسید، به توقف کوتاهی ناگزیر گردید. در این سفر، با درویشی صاحب‌دل و صافی‌ضمیر به نام «محمد مداح» آشنایی یافت. درویش با افکار عارفانه و رفتار صوفیانه خود روح او را مسخر نمود. چهار سال در رودبار بماند و به دستگیری درویش «محمد مداح» به تزکیه روح پرداخت و مس وجود با کیمیای طلب و مجاهده روز و شب زرتاب ساخت؛ آنگاه از مراد اجازه گرفت تا به رشت بازگردد (نگاهی به دو مقاله فارغ گیلانی، نوزاد: ص ۴۸).

وی به درخواست و پیشنهاد «محمد مداح» و «عبدالرزاق محمدبن ابراهیم»، برادرزاده‌اش، داستانهایی از زندگانی، دلوریها و معجزات «حضرت علی (ع)» را به رشته نظم میکشید.

سال تاریخ این خجسته کتاب
سنه الف است از طریق حساب

که در این سال شاه عالم‌گیر
کرد گیلان به عدل خود تسخیر
(فارغنامه: ابیات ۱۴۲-۱۴۳)

در سال ۱۰۰۰ هـ. ق. گیلان دستخوش انقلاب گردید. احمدخان گیلانی از سپاهیان شاه عباس شکست خورد و به شیروان فرار نمود. شاه عباس گیلان را به تسخیر خود درآورد و در چنین روزهای دردناک و خونباری، حسین در رشت گوشه‌انزوا اختیار نمود و بی‌اعتنا به واقعیات، به سرودن مثنوی خود یعنی فارغنامه پرداخت؛ بدان امید که به نام و تخلص حسین فارغ، جنبه جاودانگی بخشد.

معرفی نسخه‌های خطی فارغنامه

احمد منزوی در فهرست نسخه‌های خطی تعداد ۶۶ نسخه خطی دیوان فارغ گیلانی را از کتابخانه‌های مختلف ایران فهرست کرده است (فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، ج ۴: ص ۳۴۵). در این پژوهش با توجه به ارزش و قدمت نسخه‌ها، ۲ نسخه مورد استفاده قرار گرفته است:

۱- نسخه کتابخانه مجلس تهران به شماره «۲۱۰۹۰۳/۵۱۹» دارای ۱۷۴ صفحه بطور متوسط ۱۹ بیت به خط نستعلیق نه چندان زیبا نگاشته شده، از پهنا ۳۵ سانت و از طول ۲۳ سانت میباشد. از اول افتادگی دارد و عناوین داستانها با رنگ قرمز نگارش یافته است و بجای شماره و عدد در پایین هر صفحه، دو کلمه از بیت آغازین صفحه بعدی آورده میشود. کاتب آن اسمعیل بن عزیزالله یمانی در رمضان سال ۱۱۹۱ نگاشته است و هدایایی از محمدعلی کریمزاده تبریزی است (گیلان در قلمرو شعر و ادب، فخرایی: ص ۵۳۷).

۲- نسخه دانشگاه تهران به شماره «۲۰۸۱۶» ۷۳ صفحه، در هر صفحه بطور متوسط ۱۶ بیت و ۱۵ بیت نیز در حاشیه بطور مورب تذهیب به خط نستعلیق نگاشته شده است. از ابتدا افتادگی دارد و همه عناوین داستانها با سیاه پررنگ، نگارش یافته و بجای شماره و عدد در پایین هر صفحه، دو کلمه از بیت آغازین صفحه بعد آورده میشود که نگارنده آن «فخرالجاح حاجی محمدمیرزا بابا راخ» است (همان: ص ۵۳۹).

خصوصیات سبکی فارغنامه

در مطالعات سبکی، رویکرد یافتن مشترکات سبکی در یک اثر نسبت به آثار دیگر شاعران، برای تبیین سبک دوره و عصر، موردنظر نیست، بلکه امروزه هدف از بررسیهای سبک‌شناسانه، یافتن ویژگیهای خاص سلیقه‌ای و هنری است که میتواند شاعر را از دیگر شاعران آن عرصه جدا نماید. به عبارت دیگر، هدف ما این است که آنچه را در این اثر، برجسته سبک‌آفرین است مشخص سازیم؛ همچنین «در مطالعه یک دوره ادبی یا یک جریان ادبی یا ادبیات یک قوم، علاقه ما متوجه جنبه‌های فردی و وجوه متمایز است» (مبانی سبک‌شناسی شعر، سمیعی گیلانی: ص ۵۱).

سطح فکری

در این سطح، عناوین موضوعی، افکار و اندیشه‌های فکری مطرح در فارغنامه معرفی میگردد. از مهمترین مضامین فکری این کتاب، میتوان مواردی چون «بنمایه‌ها و باورهای اساطیری، اندیشه‌های اخلاقی، اندیشه‌های مذهبی، مدح، ستایش و دعا و اصطلاحات نجومی» را ذکر کرد.

عناوین موضوعی فارغنامه

طرح مسائل غیرعادی و خرق عادت در منظومه فارغنامه بسیار برجسته است. جلوه‌های حماسه دینی فارغنامه در قالب موجودات ناشناخته، افسانه و افسون، طلسم و جادو و مطالب حیرت‌انگیز ظهور مییابد. بسیاری از داستانهای فارغنامه خیالی است. اگرچه وجود حضرت علی (ع) یک امر حقیقی در این داستانها محسوب میشود، ولی هیچگاه برای ایشان چنین صحنه‌هایی روی نداده است و چنین جنگهایی که تاریخ گواه آن باشد، مشاهده نشده است. سرزمینهای موردنظر نیز در فارغنامه ناشناخته است.

برخی از عناوین موضوعی فارغنامه

بخشیدن یک قطار شتر به سائل نابینایی که گرسنه بود و بینا کردن چشمان او، ۲- خاتم بخشیدن امیرالمؤمنین به سائلی در بین نماز، ۳- بینا کردن دختر پارسایی که خود چشمانش را با چاقو بیرون آورده بود، ۴- داستان صعصعه با امیرالمؤمنین و آوردن دلایل و مدارک برتری آن حضرت بر لوط، نوح، موسی، عیسی، ۵- داستان بلعیده

شدن پسر اسود توسط نهنگ و در چاه افتادن علی اسود و نجات معجزه‌آسای آنها توسط حضرت علی که با یک دست نهنگ را از دریا میکشد و با دست دیگر علی اسود را از چاه بیرون می‌آورد، ۶- داستان جدا شدن سر ابراهیم ادهم توسط نره غولی و متصل کردن سر ابراهیم ادهم به جای خود، توسط دستان مبارک حضرت علی (ع)، ۷- فریب ابراهیم ادهم توسط پیرزن و نسبت دادن قتل به او و نجات معجزه‌آسای او توسط حضرت علی که مرده را زنده میکند و قاتل را معرفی میکند، ۸- داستان پیدا شدن چاهی در بیابان و سیراب شدن لشکریان حضرت، ۹- هویدا شدن نجف اشرف به دست خدابنده، ۱۰- فتح کردن خیبر به دست حضرت علی (ع)، ۱۱- نبرد حضرت علی (ع) با علقمه و هشام و نجات دادن قنبر، ۱۲- بیرون آوردن ۸۰ شتر ماده از قبر صالح برای صمصام توسط حضرت علی (ع)، ۱۳- نجات شهر عسکریه از شیران درنده توسط حضرت علی (ع)، ۱۴- آرزوی ماهی برای طعمه غذای پنج تن آل عبا شدن و برآورده شدن آرزوی او، ۱۵- نبرد حضرت علی با قیس بن حره و فتح قلعه و مسلمان شدن ببری که همه از او وحشت داشتند، ۱۶- قصه نبرد حضرت علی با قتال ملعون و پاک کردن قلعه سلاسل از وجود او که سبب ایمان آوردن مرم شد، ۱۷- نبرد حضرت علی با عنقای فارسی و کشته شدن او با ذوالفقار حضرت علی، ۱۸- معجزه حضرت علی در کمک به سائل و اعجاز بردن او به شهر بربر، ۱۹- رام کردن شیر توسط حضرت علی و حمل بار توسط شیر که سبب ایمان آوردن یهودا پادشاه جهودی شد، ۲۰- نبرد حضرت علی با قحطبه و شکست او، ۲۱- نبرد حضرت علی با عمر عنتر و کشته شدن عمر عنتر به دست علی.

بنمایه‌ها و باورهای اساطیری

مهمترین بنمایه‌های اساطیری فارغانمه که در متون پهلوانی دیگر هم دیده میشود، چنین است:
الف) حضور آفریده‌های اهریمنی مانند دیو، اژدها، جادو، غول، شیر، ببر، ماهی، مار غول پیکر، اژدر.
ب) برخی معجزات اساطیری حضرت علی (ع) مانند:

باز کردن دست دیو توسط حیدر، کشتن اژدها توسط حضرت علی (ع)، سوار شدن حضرت علی (ع) بر مرغی که سر تا پیش از زر و جواهر بود و رفتن به جابلسا، آوارگی اژدها توسط اژدهای دیگر و عطای سنگ‌نوشته به اژدها توسط حضرت علی که سبب بازگشت اژدها به وطن خود شد، سبقت گرفتن حضرت علی در دویدن از مرکب تندرو و همچنین کبوتر در آسمان، رفتن حضرت علی به درون آتش، زنده نمودن مرده، تبدیل ریسمان به اژدها، بیرون آوردن هاله‌ای نور از یقه خود، دونیم شدن گبری از شام توسط دو انگشت اعجاز‌انگیز حضرت علی (ع) که برای خراب کردن مرقد حضرت علی (ع) آمده بود.

مدح و ستایش

فارغ‌گیلانی در دیباچه دیوان خود پس از سپاس و ستایش خداوند و خاتم رسالت، سلطان سریر ولایت، پیامبر اکرم (ص) و بیان اسمهای اعظم و نعت حضرت علی (ع)، به مدح و تمجید شاه عباس صفوی پرداخته و حتی کتاب خود را به او تقدیم کرده است.

گفتم این‌نامه را به نام شاه انام	تا بود یادگار در ایام
تا از این‌نامه هست نام نشان	نام شاه جهان بود به جهان
مظهر نور ذات سبحانی	شاه عباس ظلّ سلطانی

(فارغانمه: ابیات ۷۹-۸۱)

بطور کلی فارغ در آغاز و شروع داستانها که قصد پرداختن به قسمت جدیدی یعنی داستان دیگری را دارد، در ابیاتی بعنوان مقدمه فضا سازی میکند و با استفاده از کلمات و لغات عربی در ستایش و حمد خداوند و پس از آن مدح و منقبت پیامبر (ص) و امام علی (ع) به شیوه‌ای ساده، وارد شرح داستان میشود.

له المَلِكُ أَنَّهُ مَالِكُ	هُوَ بَاقِي وَ غَيْرُهُ هَالِكُ
ز آنکه اسماء آن شه ابرار	هست بیرون ز حد و حصر و شمار
نام مشهور شاه عالیجاه	اسدالله علی ولی الله
وصی مصطفی و شیر خدا	خلق را مقتدا و راهنما
سبب آفرینش عالم	قبله دین و عالم و آدم
حیدر مرتضی شه والا	جمله خلق راست اومولا

(همان: ابیات ۵۱۸-۵۱۴)

خواننده با خواندن این ابیات با فضای داستان که نمایش قدرت و کمالات حضرت علی (ع) است آشنا میشود.

اندیشه‌های اخلاقی

اصول عقاید اخلاقی و تربیتی فارغنامه را میتوان در مواردی چون «دعا، طلب عفو و بخشش از درگاه خداوند، درخواست کمک و یاری از حضرت علی، پیروزی و کامیابی شیعیان، ناامیدی از خلق و دراز کردن دست نیاز بسوی حق، بیان معجزه‌های حضرت علی (ع)، پندپذیری، ناپایداری جهان و بی‌اعتباری مال‌اندوزی، بلند نظری و وسعت دید در طریق معرفت، ترغیب در پیروی از پیر، آزادگی و وارستگی» خلاصه کرد.

کردگارا به اسم سامی تو	به حق نامهای نامی تو (همان: بیت ۲۳)
که روا ساز حاجت فارغ	بگذر از جرم و خفت فارغ (همان: بیت ۲۸)
گفت تا سیر لامکان نکنی	خدمت پیر خود به جان نکنی (همان: بیت ۴۶۰)
نشناسی طریق طاعت من	ره نیابی به قرب حضرت من (همان، بیت ۴۶۱)

اندیشه‌های مذهبی

دقت در اشعار فارغ گیلانی، بیانگر پایبندی به تعالیم و تفکرات دینی مذهبی است. مضامین مذهبی این شاعر همان مضامین تکراری مرسوم در عصر بوده است. مذهب و دوستداری ائمه اطهار بویژه امام علی (ع) در اشعار فارغ برجستگی خاصی دارد؛ چنانچه شاعر با اشعار و با ذکر شخصیتهای برجسته دینی چون «پیامبر، حضرت علی و ائمه اطهار همچنین شخصیتهای خیالی منفور دینی چون قتال ملعون، قیس بن حره، علقمه، هشام، قحطبه، عمر عنتر، و حارث» گویی قصد القای تفکر مذهبی خاص خود را دارد.

مصطفی و علی یک روحند	در دو کشتی نشسته یک نوحند (۵۰)
من به تورات خواندم و قرآن	که بود فرض بر جمیع کسان (۱۰۸)
که زن و مرد در صباح و مسا	بر شه عصر خود کنند دعا (۱۰۹)

اصطلاحات نجومی

فارغ در شعر خود از اصطلاحات نجومی و اسامی ستارگان کمک گرفته است که از آن میان میتوان به سحاب، مریخ،

ماه، زهره، زحل، و مشتری اشاره نمود. از کاربرد این اصطلاحات در شعر این شاعر نمونه‌هایی را به‌اختصار نام می‌بریم.

گشته هر یک <u>سحاب آتشبار</u>	کرده رمح <u>عدوگر</u> او <u>پیکار</u>
کرده <u>سوراخ سینۀ مریخ</u>	سر <u>سیاره</u> را <u>کشیده</u> به <u>سیخ</u>
<u>ماه</u> در <u>بوته فلک بگداخت</u>	<u>خویش</u> را <u>مهجۀ</u> <u>لوایش</u> ساخت
<u>زهره</u> در <u>بزم</u> او <u>همی</u> زد <u>چنگ</u>	به <u>سرور</u> و <u>سرود</u> کرد <u>آهنگ</u>
در <u>وحدل</u> <u>مانده</u> بود <u>پای</u> <u>زحل</u>	شد در این <u>بزم</u> <u>مشکل</u> او <u>حل</u>
<u>مشتری</u> داده <u>طیلسان</u> <u>رنگین</u>	به <u>وزیرانش</u> از <u>سر</u> <u>تمکین</u>
<u>تیر</u> هم <u>خامه</u> از <u>دوات</u> <u>کشید</u>	به <u>دبیران</u> <u>مُلک</u> او <u>بخشید</u>

(همان: ابیات ۱۰۱-۹۲)

سطح زبانی

سبک نمودار‌گرینش و ترکیب‌شاعر و نویسنده از امکانات متعدد زبانی است. یکی از عوامل مهم در جداسازی سبکها، زندگی‌شاعر و شیوه بیان آن است. اینکه عامل زمان، علاوه بر شیوه بیان، نقش مهمی در این طبقه‌بندی دارد، شاید به این علت است که نمیتوان زمان جامعه و فضای فکری را از کارها و آثار شاعر جدا کرد و اینکه صرفاً موضوع یا ماهیت شعرها مشابه باشد، دلیلی بر یکسانی آنها نیست. ضمن اینکه همه این عوامل یعنی زمان، دوران، ماهیت و فضای فکری و شیوه بیان و... مؤثرند.

زبان دیوان فارغ‌گیلانی، ساده و روان می‌باشد. بسیاری از ویژگیهای زبانی سبک خراسانی در آن مشهود است و از آنجاییکه سرایش این منظومه مربوط به دوره صفوی است، ویژگیهای زبانی سبک عصر صفوی نظیر واژه‌ها و ترکیبهای ساختگی و عامیانه نیز در آن دیده میشود. فارغ‌گیلانی بیشتر به معنا و مفهوم شعر دقت دارد تا بکارگیری ابزار و صناعات ادبی.

برخی ویژگیهای زبانی فارغنامه چنین است:

نوآوری در ساختار ترکیبات و اصطلاحات: فرایند خلق شعر در ذهن شاعر از احساس و تفکر سرچشمه میگیرد و برای سروده شدن و ظهور شعر، ترکیبهای جدیدی از واژگان را در کنار هم مینشانند؛ این مقوله باعث ایجاد زبانی خاص در شعر میشود و شاخص آن، کاربرد ترکیب و ساختهای جدیدی است که شاعر آفریده است. در ابیات زیر نمونه‌هایی از این ترکیبهای نو را در سخن فارغ میبینیم:

«کامبخش ناکامان، نیکنامی ده نکوکامان، ماه چرخ آستان عرش سریر، مظهر نور ذات سبحانی، مخزن سراپر، بدر انور احسان، سیلاب معصیت، مه مهر کائنات‌افروز، راهب خجسته‌ضمیر، شه تاجبخش عالمگیر» نمونه‌هایی از این ترکیبها است.

فارغ به ترکیب‌سازی علاقه نشان میدهد و بنوبه خود در نوآوری اصطلاحات جدید سعی نموده است. در این دیوان با ترکیب و توصیفهای زیبا، بدیع و شگفت روبرو میشویم.

استفاده از مخفف کلمات

کافری بت‌پرست بد عملی	زشت‌روی و <u>سیه‌دل</u> و <u>دغلی</u> (۹۳۰)
رفت سوی مدینه خیبر انام	<u>شه</u> دین و <u>لشکر</u> اسلام (۴۳۷۰)
شاه مردان <u>چو</u> مهر روزافروز	بود شش ساله ظاهراً آن روز (۳۵۳)
گاه <u>بیگه</u> چو رو به شهر آرد	از <u>خلایق</u> <u>دمار</u> بردارد (۱۴۵۹)

الغرض بشنو این حکایت را تا بیابی ره هدایت را (۴۲۶)

استفاده از افعال پیشوندی

برکشیدند لشکر اسلام
آنچنان آن پسر به دست علی
پس رسول مهیمن ستار
مدعای دل من است همین

صلوات و دعا، درود و سلام (۲۱۳۰)
بود کز راه دررسید نبی (۲۴۷)
برگرفت از سر علی دستار (۵۵۱)
پادشاهها برآوری آمین (۷۱۸)

آوردن «همی» برای مضارع اخباری و ماضی استمراری

جز براه علی نمیپویم
دائم آزار خلق می‌کردم
بانگ جنگ برآوردند

یاعلی یا علی همی گویم (۷۳)
خلق میکشتم و همی خوردم (۲۹۷)
مرد میدان طلب همی کردند (۱۱۵۰)

واژگان و اصطلاحات عامیانه

بشنو این داستان که شاد شوی
ای که از شیعیان ایشانی
بنده در رودبار یاری داشت
بنده را همدم و برادر بود
بنده کوی خواجه قنبر

تازه ایمان و اعتقاد شوی
پیرو راه دین و ایمانی
که به جان، تخم مهر شه میکاشت
بلکه با جان و دل برابر بود
داشت بسیار منقبت از بر
(همان: ابیات ۲۷۲-۲۶۸)

سطح ادبی

موسیقی بیرونی: مثنوی «فارغنامه» در قالب مثنوی و در ۵۶۴۹ بیت به بحر خفیف سروده شده است و همچون حماسه‌های دیگر دوره صفوی آمیخته‌ای از واقعیت و افسانه است که البته گاه جنبه داستانی و خیالپردازیهای شاعر و و گاه نیز جنبه‌های واقعی را دربر دارد. انتخاب بحر خفیف با ویژگی موسیقایی خاص آن بجای گزیدن بحر متقارب، آنچنانکه در حماسه‌های پهلوانی و اساطیری باب بوده است و بسیاری از حماسه‌های دینی نیز از آن پیروی کرده‌اند بنظر میرسد، نوعی نوآوری سبک در خلق این اثر حماسی دینی میباشد. انتخاب وزن «فاعلاتن، مفاعیلن فعلن/ فعلات» از سوی سراینده این مثنوی، برگزیدن نوعی خاص از فرم و ساختار سرایش است تا مخاطب را با عرصه جدیدی از حماسه روبرو نماید. این اشتراکی بین مثنوی فارغنامه و مثنوی حدیقه الحقیقه سنایی غزنوی است که میتواند بیان‌کننده نوع نگرش شاعر به فرم و ساختار ظاهری شعر باشد؛ یعنی همان موسیقی صامت و مصوتها برای ارائه مفاهیم ویژه، مانند قداست، خوش‌آوایی، لطافت و معنویت.

موسیقی درونی: بدیع لفظی: «هماهنگی و نسبت ترکیب کلمات و طنین خاص هر حرف در مجاورت با حروف دیگر، موسیقی خاصی را پدید می‌آورد که به آن موسیقی درونی گفته میشود» (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ص ۵۱). «جلوه‌های مختلف تنوع و تکرار در نظام آواها که از مقوله موسیقی بیرونی و کناری نباشد، در حوزه

مفهومی این نوع موسیقی قرار می‌گیرد» (ردیف و موسیقی شعر، محسنی: ص ۱۱ و ۱۲). «موسیقی درونی در آرایه‌های مختلفی همچون جناسها، تکرار، سجع و موازنه دیده می‌شود» (تکرار اساس موسیقی شعر، جمالی: ص ۶۳). جناس پرسامدترین صنعت در موسیقی درونی اشعار دیوان فارغانامه محسوب می‌شود.

تکرار: تکرار یا توزیع، در شعر فارسی توسط سراینده‌گان طراز اول شعر فارسی مورد توجه قرار گرفته است؛ در این کاربرد هنری، تکرار واجهای همگون و یکسان، همراه با مفاهیم و معانی واژه‌ها در موسیقی و آهنگ بسیار مؤثر است. تکرار از جمله خصوصیات سبکی بارز در فارغانامه است، مانند تکرار واژه مصطفی و مرتضی در ابتدای هر دو مصرع در ابیات ۴۲-۵۰ در ۹ بیت متوالی.

مصطفی آسمان شرع مبین	مرتضی آفتاب نور یقین
مصطفی شاه کشور لولاک	مرتضی ماه انور افلاک
مصطفی از سخا بسیط قضا	مرتضی از وفا محیط سخا
مصطفی خازن نعیم و مقیم	مرتضی قاسم جنان و جحیم
مصطفی شافع جمیع امم	مرتضی منبع سخا و کرم
مصطفی مرکز غرایب دان	مرتضی مظهر عجایب دان
مصطفی مخزن سرائیر دان	مرتضی بدر انور احسان
مصطفی پیشوای خلق خدا	مرتضی مقتدای ارض و سما
مصطفی و علی یک روحند	در دو کشتی نشسته یک نوحند

(فارغانامه، ابیات ۵۰-۴۲)

جناس: شاعران در بهره‌گیری از اثرات قرینه‌سازی و ایجاد ایقاعها و هماهنگیهای موسیقی، از تکرار بهره گرفته‌اند در آرایه جناس، عنصر دیگری وجود دارد و آن اختلاف معانی و مفاهیم واژه‌هاست که به انتقال و جابجایی موسیقی از آوا بسوی معنا، کمک می‌کند. فارغ بعنوان یک شاعر توانمند از این قدرت موسیقایی جناس آگاه بوده و آن را در گونه و اشکال مختلف مورد استفاده قرار داده است. در بررسی کمی میتوان به این نتیجه رسید که بیشترین آرایه استفاده‌شده در فارغانامه جناس است:

نام خود ورد <u>جان</u> فارغ کن	شمع و جان <u>جهان</u> فارغ کن (۳۵)
که تو بر <u>تخت</u> و <u>بخت</u> بنشین	تا رخ صاحب‌الزمان بینی (۱۲۶)
سایه چترت از <u>فلک</u> گذرد	پایه قدرت از <u>ملک</u> گذرد (۱۳۴)
من که در <u>وصف</u> آن ولی نشان	حق‌تعلی است <u>واصف</u> ایشان (۱۵۱)
با همان رخت و خلعت اول	به که اول ز <u>اکمل</u> و <u>اجمل</u> (۳۰۰۶)
یا علی فارغ <u>سیه‌بختم</u>	برده سیلاب <u>معصیت</u> <u>رختم</u> (۳۰۱۰)
چون به دوزخ روانه شد <u>طاروق</u>	شد روان با سپاه خود <u>ساروق</u> (۴۹۸۱)
بهر اصحاب حضرت شه دین	گشت آنچه <u>همچو</u> <u>حصن</u> <u>حصین</u> (۴۹۸۴)
چون به دوزخ فکند جان <u>ساروق</u>	بود دیوی وزیر او <u>ماروق</u> (۴۹۹۶)
سرفرازت به تاج عزت ساخت	محرمت در <u>حریم</u> <u>حرمت</u> ساخت (۵۰۵)
هم به نامش مدار <u>فُلک</u> <u>فُلک</u>	هم به نامش قرار <u>مُلک</u> <u>مُلک</u> (۱۲)

واج‌آرایی: تأثیر هماهنگی آواها و خوش‌آهنگی حاصل از تکرار، گاهی بصورت کامل در واژه‌های شعری رعایت نمیشود، بلکه فقط در برخی از صامتها و یا مصوتها تکرار صورت میگیرد. اینجاست که این تأثیر از لونی دیگر میگردد و جانفزاتر و تأثیرگذارتر است (واج‌آرایی و تکرار در شعر خاقانی، کرمی و حسامپور: ص ۱۳۸).
در ابیات ۱۲۱۷ تا ۱۲۱۸ حرف «س» در ابیات، زیاد تکرار شده است.

یا علی جز تو کس ندارم من جز تو فریادرس ندارم من
تو کس بی‌کسان و من بی‌کس مُردم از بی‌کسی به دادم رس

تضمین‌المزدوج: «آن است که در اثنای جمله نظم و نثر، کلماتی را پیوسته یا نزدیک به یکدیگر بیاورند که در حرف روی موافق باشند؛ از آنجاکه علاوه بر رعایت حدود سجع و قافیه، در اثنای جمله، کلمات مسجع، قرینه‌بندی شده‌اند، آن را نیز تضمین‌المزدوج میگویند» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۴۸). این صنعت ادبی نیز در مثنوی فارغنامه کم کاربرد است.

اوست قسام دوزخ و جنت در کف اوست زحمت و رحمت (۷۲۲)

چون نبی گفت دَمُک دَمی با علی گفت لَحْمک لَحمی (۵۶)

کعبه و اهل مکه را یک سر کنم از ضرب تیغ زیروزبر (۶۰۶)

موازنه و ترصیع: موازنه استفاده از همسانی وزنی واژگان و حفظ قرینه‌ها در درون کلمات دو مصراع است. اصلترین عامل ایجاد موسیقی تقارن است که شاعران به بهترین و زیباترین شکل در موازنه یا مماثله از آن بهره میگیرند. درحقیقت نوعی از سجع متوازن است که در فواصل نثر یا نظم تکرار میشود (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۳۰). گاهی این هماهنگی از سجع متوازن فراتر رفته و با هماهنگی در وزن و حرف روی کلمات قرینه شده، صنعت ترصیع را می‌آفریند (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۴۴).

مصطفی آسمان شرع مبین مرتضی آفتاب نور یقین (۴۲)

مصطفی شاه کشور لولاک مرتضی ماه انور افلاک (۴۳)

آن یکی پادشاه خیل رسل وین یکی پیشوای اهل سبیل (۷۲۵)

آنکه قایم به ذکر او است فلک آنکه دایم به مدح اوست ملک (۱۵۴۳)

موسیقی کناری (قافیه و ردیف): موسیقی کناری یکی از جلوه‌های موسیقی در شعر است که نقش پررنگ و مؤثری در بالا بردن جنبه موسیقایی شعر و برانگیختن عواطف و احساسات خواننده دارد» (نگاهی دیگر به موسیقی شعر، فیاض‌منش: ص ۱۸۰). درمورد اهمیت و تأثیر قافیه و ردیف بر شعر، فواید بسیاری از سوی ادیبان و

ناقدان ذکر شده است که بنظر میرسد نقش موسیقایی آنها بهتر و مهمتر از دیگر نقشهاست. «نغمه و آهنگ حاصل از تکرار الفاظ هماهنگ، همگون یا همسان قافیه و ردیف، لذتی به آدمی میبخشد که نزدیک است به لذتی که از استماع نغمه‌ای دریافت میکنیم» (پیوند موسیقی و شعر، ملاح: ص ۸۳).

ردیف: در هیچ زبانی به اندازه زبان فارسی از ردیف استفاده نشده است. «به گفته کارشناسان از مهمترین عوامل پیدایش ردیف در شعر فارسی، وجود فعل ربطی در این زبان است» (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۱۷۰). در مثنوی فارغانه از میان ۵۶۴۹ بیت، ۸۰۵ بیت مردف هستند که از این تعداد: ۵۳۵ بیت ردیف فعلی؛ ۵۵ بیت ردیف اسمی؛ ۷۰ بیت ردیف ضمیر؛ ۸۰ بیت ردیف ترکیبی و ۶۵ بیت هم ردیف حرفی هستند. پربسامدترین ردیف، فعلی است. فارغ‌گیلانی در بکارگیری این صنعت بسیار دقیق عمل کرده است و معمولاً قوافی بکاررفته در مثنوی فارغانه بسیار ساده و پرکاربرد هستند.

جدول بسامد اشعار مردف در مثنوی فارغانه

تعداد اشعار مردف	۸۰۵
درصد اشعار مردف	۱۴/۲۵

جدول فوق بیانگر این مسئله است که از ۵۶۴۹ بیت مثنوی فارغانه، تنها ۸۰۵ بیت آن مردف هستند، به عبارتی بسامد ابیات مردف در این مثنوی ۱۴/۲۵ است.

جدول بسامد انواع ردیف در مثنوی فارغانه

نوع ردیف	فعلی	اسمی	ضمیر	ترکیبی	حرفی
تعداد	۵۳۵	۵۵	۷۰	۸۰	۶۵
درصد	۹/۴۷	۰/۹۷	۱/۲۳	۱/۴۱	۱/۱۵

همانطور که از جدول برمی‌آید، بسامد ردیف فعلی در مثنوی فارغانه بیش از سایر انواع ردیف است. فارغ‌گیلانی بسیاری از اهداف معنایی و مفهومی شعر را با ردیفهای شعر بیان کرده است و با کمک ردیفها، بسط معنایی شعر را ایجاد کرده است.

قافیه: هرچه تعداد صامتها و مصوتهای واژگان قافیه یکسانتر باشد، قافیه به همان اندازه، دلنشینتر و آهنگینتر میشود و ارزش موسیقایی آن نیز بیشتر میشود. در بسیاری از ابیات مثنوی فارغانه، قافیه‌ای که استفاده شده است در خدمت مفهوم و مضمون شعر است و بیشترین بسامد در دیوان این شاعر اختصاص به قافیه‌های اسمی دارد. در دیوان او عیوب قافیه فراوان دیده میشود. ابطای جلی پربسامدترین عیوب قافیه در مثنوی فارغانه است. اقواء (اختلاف حرکت ماقبل ردف اصلی و ردف زاید است):

با دل شاد و خاطر خُرم متوجه شدند بسوی حَرم (۹۱۱)

ایطاء جلی (تکرار قافیه در آن آشکار است):

همه چون آهوان شیر شکار همه شکرلبان و شیرینکار (۱۶۴۹)
 لشکری بیشتر ز حد شمار حلقه زد گرد مکه را چو مار (۱۰۵۰)

ایطاء خفی (تکرار قافیه آشکار نیست):

انس و جن وحش و طیر ماهی مور امر او را به جان و دل مأمور (۷۶۸)
گفت هر جا که هست بیماری جمله را گر به پیش من آری (۸۷۶)

قافیه بدیعی: مقصود از قافیه بدیعی، قافیه‌ای است که در آنها یکی از صناعات ادبی از قبیل اعنات، تجنیس یا نوآوری و ابداعی اعمال شده باشد:

الف) اعنات یا لزوم مالا یلزم: «اعنات در قافیه آن است که شاعر علاوه بر هماهنگی و تناظر هجای قافیه، هماهنگی و تناظر هجا یا هجاهای ماقبل را نیز رعایت کند و به اصطلاح شاعر خود را در دشواری (اعنات) افکند» (آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا: ص ۲۲۵). بسامد این قافیه در مثنوی فارغنامه بسیار کم است.

مدعای تو هم شود حاصل تا به مقصود خود شوی واصل (۱۴۲۱)
گر مراد دلم شود حاصل بندهات من به جان شوم صد دل (۱۶۴۱)
دلبرت را به تو کنم واصل تا مراد دلت شود حاصل (۱۶۴۱)

ب) تجنیس: تجنیس در علم قافیه به معنی آوردن انواع جناس در محل قافیه است:

همه را میدهم شفا در دم زانکه من چاره‌ساز هر دردم (۸۷۷)
پهلوانی که رستم دستان پیش او بود از فرودستان (۹۳۱)

بسامد کاربرد جناس تام و مرکب در مکان قافیه در مثنوی فارغنامه بسیار کم است، اما کاربرد جناس مضارع در جایگاه قافیه بسیار زیاد است.

چون بدیدند اژدها کشته همه حیران و واله‌اش گشته (۱۹۶)
وصف او جز خداوند نداند کس واصل او خدای باشد و بس (۲۰۳)
دست شستم ز جمله عالم روی امید بر رهت مالم (۲۱۹)

ج) ذوقافیتین: ذوقافیتین به شعری گویند که دو قافیه داشته باشد. در مثنوی فارغنامه بسامد این نوع قافیه نیز کم است.

شیر پروردگار شاه نجف قاسم خلد و نار و ماه شرف (۱۱۱۳)

د) قافیه معموله: «قافیه معموله، قافیه‌ای است که محصول ابتکار ذهن و دخالت شاعر در وضع حرف روی باشد، بدین ترتیب که شاعر با عملی ابتکاری، حرفی جز روی اصلی را روی شعر قرار دهد و در نتیجه قافیه‌هایی بی‌آورد که متضمن لطافت یا ابداعی باشند» (آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا: ص ۱۳۰). در مثنوی فارغنامه بسامد این نوع قافیه نیز کم است.

جان به لب آمده ز بیتابی مگرم از کرم تو دریا بی (۷۳۷)
الغرض شد دل یهودا خوش لیکن بود از برای زر ناخوش (۸۰۷)

این چنین کارنامه‌ او راست غیر او را چه قدرتی یاراست (۱۱۹۱)

جدول بسامد قافیه بدیعی

نوع قافیه	تجنیس	ذوقافیتین	قافیه معموله	اعنات
درصد	۵۰/۴	۱۸/۹	۲۳/۲	۷/۶

موسیقی

موسیقی معنوی: بدیع معنوی: کلمات با نخهای متعددی به هم پیوسته‌اند و این ارتباط و تناسبها، چه لفظی و چه معنایی، از پیوستگی میان واژه‌ها بوجود می‌آید و نوعی هماهنگی در یک شبکه منسجم هنری را بنمایش می‌گذارد. قلمرو حوزه معنوی شامل تمامی تقارن‌ها، تشابهات و تضادهاست که در حوزه امور معنایی و ذهنی قرار می‌گیرند. «به بیانی دیگر، همه ارتباطهای پنهانی عناصر یک بیت یا یک مصراع، اجزای موسیقی معنوی آن اثر را تشکیل میدهد. بسیاری از صنایع معنوی بدیع مثل ایهام، مراعات‌النظیر، تضاد، تلمیح، حس‌آمیزی و ایهام در حوزه این موسیقی گنجانده میشود» (ردیف و موسیقی شعر، محسنی: صص ۱۲ و ۱۳).

صنایع معنوی یکی از ارکان اساسی موسیقی معنوی است که بر جنبه شناختی یک اثر تأثیرگذار است. فارغ گیلانی با استفاده بجا از انواع صنایع معنوی، عاطفه و حماسه شعرش را به مخاطب منتقل میکند. در میان انواع صنایع معنوی، بدلیل ساختار حماسی دینی، صنعت تشبیه، استعاره، تلمیح و مراعات‌النظیر در این مثنوی برجسته است.

شواهدی برای ظهور انواع صنایع معنوی در مثنوی فارغانامه

تشبیه: تشبیه صورت مخیل تصاویر در شعر است. «ساده‌ترین نوع تجربه خیال و بازتاب جهان محسوس در ذهن شاعر توسط تشبیهات حسی بیان میشود. جهان متن در تشبیهات حسی، بیرونیت و همگانیت است» (سبک‌شناسی، فتوحی: ص ۳۰۶). اغلب تشبیهات مثنوی فارغانامه از نوع «محسوس به محسوس» است و مشابه آنها اغلب برگرفته از عناصر طبیعت مانند «ماه (۳۰۱)، چراغ (۷)، شیر (۱۱۶)، چنار (۱۶۴)، شمس و قمر (۳۰۲)، بحر (۲۰۸)، مشعل (۲۸۵)، حیدر (۲۰۱)، بدر منیر (۲۳۴)، چشمه حور (۳۵۵)، سرو (۳۰۱)، باغ (۱۰۸۲) و... است. درحقیقت ارکان تشبیه در مثنوی فارغانامه تازگی چندانی ندارد. همان وجه‌شبهه‌های شناخته‌شده سنن ادبی را به مدد مشابه‌های معهود بکار میبرد که همین عامل معهود و شناخته‌شده بودن، سبک شخصی را برای این شاعر خلق نمیکند، البته این ویژگی معهود و شناخته‌شده بودن، تقریباً در تمام سطوح و لایه‌های سخن وی دیده میشود. تشبیهات محسوس به معقول هم در منظومه دیده میشود؛ اما در این منظومه، شمار تشبیهات معقول به محسوس و معقول به معقول کمتر دیده میشود.

محسوس به محسوس: آنچه‌ان اژدهای را در دم/ همچو کرباس بر درید از هم (۱۸۶)

محسوس به معقول: با رخی چون هزار چشمه حور/ عالم از ماه روی او پر نور (۳۵۵)

معقول به محسوس: اسم او گنج و عالم است طلسم/ نگشاید طلسم را جز اسم (۱۷)

نوع تشبیه	محسوس به محسوس	محسوس به معقول	معقول به محسوس	معقول به معقول
درصد	۴۹/۰	۲۸/۰	۱۳/۰	۱۰/۰

تشبیهات مثنوی فارغنامه از حیث ارکان و براساس فراوانی عبارتند از: تشبیهات بلیغ یا اضافی، مؤکد، مرسل، مجمل و مفصل.

تشبیه مرسل:

در کرامات معجزات و هنر	کس نبوده است و نیست چون حیدر (۲۰۱)
چون دو کوهی فتاده اژدها	گشته از خون حیاط چون دریا (۲۰۷)
بود گهواره فی‌المثل زورق	گشته جاری چو بحر خون‌الحق (۲۰۸)
نوجوانی لطیف و زیبایی	همچو شمس و قمر دل‌آرایی (۳۰۲)

تشبیه مؤکد:

اسم او گنج و عالم است طلسم	نگشاید طلسم را جز اسم (۱۷)
مصطفی آسمان شرع مبین	مرتضی آفتاب نور یقین (۴۲)
هم چنین کو در این جهان شاه است	آسمان جلال را ماه است (۱۱۲)

تشبیه مفصل:

چهار صد گز درازی آن مار	هر یکی شاخ او چو شاخ چنار (۱۶۴)
هر دو چشمش چو مشعل سوزان	همچو کوهش سر چو غار دهان (۱۶۵)
نعره از جگر چو شیر کشید	اژدها را ز یکدیگر بدرید (۱۸۴)

تشبیه مجمل:

تا شراره ز تیغ او جسته	چون ستاره به چرخ پیوسته (۹۱)
این یک طرف رومی آن طرف اوزبک	سگ و روبه چو عمر و بوبک (۱۱۵)
شد رخ آفتاب چون زرنیخ	تیغ اوفتاده از کف مریخ (۱۹۰)

تشبیه بلیغ:

تا یکی روز ماه رخساری	سرو قدی بلند مقداری (۳۰۱)
گنج جان در طلسم جسم گذاشت	اژدر نفس را بر او بگماشت (۱۴۶)

جدول بسامد ارکان تشبیه در مثنوی فارغنامه

نوع تشبیه	بلیغ	مجمل	مفصل	مرسل	مؤکد
درصد	.۸	.۲۱	.۲۴	.۳۵	.۱۲

نگاهی سطحی به ارکان تشبیهات مثنوی فارغنامه، بیانگر این مسئله است که تشبیه مرسل و بعد از آن تشبیه مفصل بسامد بالایی در این منظومه دارد.

استعاره: بیشتر استعاره‌های مثنوی فارغنامه، تکراری از نمونه‌های متون گذشته و از نوع استعاره مصرحه و مکنیه است و یا حداقل نزدیک به آن دسته استعاره‌هایی است که گویندگان پیشین، بویژه شاعران سبک عراقی، آنها را

بکار می‌بردند. واژه‌های این استعاره‌ها بدلیل آنکه در یک متن حماسی دینی بکار رفته است، در وهله نخست واژه‌های دینی و پس از آن عناصر طبیعی است. مثنوی فارغنامه از آنجاکه در قالب حماسه دینی است، بسامد استعاره مصرحه در آن بسیار است.

استعاره مصرحه:

دیو گفت ای سپهر اهل صفا
هر یکی دست و پای شاه نجف

این جوان بسته است دست مرا (۳۶۰)
بوسه دادند با هزار شعف (۲۴۴)

استعاره مرشحه:

شاه کشورستان عالم‌گیر
گوش کن ای محب شاه نجف

ماه چرخ آسمان عرش سریر (۸۴)
معجز شاه بارگاه شرف (۲۳۰)
شیر پروردگار شاه نجف
قاسم خلد و نار و ماه شرف (۱۱۱۳)

استعاره مکنیه و تخیلیه: استعاره و زبان مجازی، مناسبترین و وسیعترین قلمرو برای بلندپروازیهای تخیل شاعر است که گفتار را از تنگنای زبان عرف و حقیقی خارج میکند و به عالم پر از شگفتی شعر وارد میکند. این زبان از زبان عادی نشئت میگیرد، تکامل مییابد و با تمهیدات هنری آراسته میشود؛ بگونه‌ای که چیزی میگوید و چیز دیگری را اراده میکند. «در استعاره مکنیه و تخیلیه، مشابه حذف میشود و مشابه ذکر میشود؛ لکن مشابه به جای خود را به یکی یا چند تا از مناسبات یا اوصاف خود میدهد. استعاره مکنیه و تخیلیه در حقیقت یکی هستند، چون تخیل و کنایه از هم جدا نیستند» (بیان و معانی، شمیس: ص ۶۲). استعاره مکنیه در مثنوی فارغنامه بیشتر بصورت غیراضافی بکار رفته است.

استعاره مکنیه از نوع غیراضافی

گشته هریک شهاب آتشیبار
ماه در بوتۀ فلک بگداخت

کرده رمح عدوگر او پیکار (۹۲)
خویش را مهجۀ لوایش ساخت (۹۷)
به وزیرانش از سر تمکین (۱۰۰)
آسمان بر زمین نهاده جبین (۱۰۵)

مشتی داد طیلسان رنگین
بهر تعظیمش از سر تمکین

استعاره مکنیه از نوع اضافی

چشم ایمان (۶۷)، جمال خورشید (۸۳)، دل گردون (۹۳)، سینۀ مرغ (۹۶)، سر سیاره (۹۶)، پای زحل (۹۹)، رخ آفتاب (۱۹۰)، در امید (۷۰۸).

جدول بسامد انواع استعاره در مثنوی فارغنامه

استعاره مکنیه	اضافی	غیر اضافی
درصد	۳۰٪	۷۰٪

کنایه: فارغ‌گیلانی از آنجاکه عناصر حماسی را در شعر بیان میکند، معمولاً کنایه‌ها در اشعار او جایگاه خاصی دارند. بیشتر کنایه‌ها در دیوان او از نوع فعلی و ایماست.

طلعتی ز آفتاب روشنتر بلکه عکسی ز روی اوست قمر (۳۰۳)
من شدم خشک با چنین کر و فر در کف او از پشه کمتر (۳۱۰)

مراعات‌النظیر: یکی از جنبه‌های اصلی مراعات‌النظیر، ایجاد فرآیند تداعی معانی است که در کلام باعث ایجاد تصاویر جدید در ذهن مخاطب گردد (صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۹). در فرآیند مراعات‌النظیر، اولین واژه، موجب ایجاد اولین تصویر شده و پی هم آمدن واژه‌های متناسب یعنی پی هم آمدن تصاویر خیالی که با هم رابطه‌های متعدد و پیچیده‌ای دارند و این بخشی از نیروی شگفت‌انگیز تصویرسازی شعر است (بلاغت تصویر، فتوحی: ص ۴۲). فارغ به این نیروی خارق‌العاده شعر واقف بوده و در جای‌جای سروده‌هایش از آن بهره گرفته است:

بارها گفته است پیغمبر که علی بر تن من است چو سر (۵۸)
که زن و مرد در صباح و مسا بر شه عصر خود کنند دعا (۱۰۹)
یک طرف رومی آن طرف اوزبک سگ و گربه چو عمر و یو بک (۱۱۵)

تلمیح: آرایه‌های ادبی گاهی زیبایی می‌آفریند و گاهی مددگر معنی شعر هستند. آرایه تلمیح به این لحاظ ارزش دو جانبه دارد. توجه به تلمیح از جانب شاعران نیز به تنوع دیدگاه‌ها و پربار شدن آثار ایشان می‌انجامد. با توجه به داستانی بودن متن، در دیوان فارغ به تلمیحات زیادی برمیخوریم و این صنعت از بسامد بسیار زیادی برخوردار است.

الف: استفاده از آیات و داستانهای قرآنی

لِلّٰهِ الْمُلْكُ وَاِنَّهُۥٓ مَالِكٌ هُوَ بَاقِيٌّ وَاٰخِرَةُ هَالِكٌ (۱)
یا علی انت قاضی الحاجات دید موسی ز بیم مضطر شد (۲۸۰۹)
چون عصا افکند اژدر شد

ب: استفاده از واژه‌های عربی

لله الحمد فی جمیع الامور خلق خلد و نار و ظلمت و نور (۳۴۱۷)
نعمتش لا یعدد لایحصی است حد که به شرح بیان نیاید راست (۲۳۲۴)

ج: استفاده از اسامی غنایی

عشق آن لیلیش چو مجنون کرد رو چو مجنون به کوه هامون کرد (۲۷۰۱)

درج ماده تاریخ: یکی از کاربرد حروف در گذشته، کاربرد عددی بود که گذشتگان با برابر نهادن هریک از حروف ابجد با اعداد، آنها را مورد استفاده قرار میدادند. شاعران تاریخهای اتفاقات مهم را برای اینکه باقی بمانند بصورت

یک حرف ماندگار میکردند. امروزه یکی از منابع شناسایی وقایع تاریخی، ماده‌تاریخ‌هاست و کاربرد ماده‌تاریخ، در شعر فارغ‌گیلانی نیز نشان از اشراف او به این مقوله ادبی دارد:

سال تاریخ این خجسته کتاب سنه‌الف است از طریق حساب (۱۴۲)
بنده در سال نهصد و هشتاد بنده در سال نهصد و هشتاد

نتیجه‌گیری

«حسین بن حسن رودسری گیلانی» متخلص به «فارغ» از شاعران گیلان در سده دهم هجری است. در بررسی «فارغنامه» نتایج زیر بدست آمد:

مثنوی «فارغنامه» در ۵۶۴۹ بیت و در بحر خفیف سروده شده است و همچون دیگر حماسه‌های دینی دوره صفوی آمیخته‌ای از واقعیت و افسانه است که البته گاه جنبه داستانی و خیالپردازی شاعر بر واقعیت برتری دارد. انتخاب بحر خفیف با ویژگی موسیقایی خاص آن به جای گزیدن بحر متقارب، آنچنانکه در حماسه‌های پهلوانی و اساطیری باب بوده است و بسیاری از حماسه‌های دینی نیز از آن پیروی کرده‌اند بنظر میرسد، نوعی نوآوری سبک در خلق این اثر حماسی دینی میباشد. زبان شاعر، ساده و روان میباشد و بیشتر به معنا و مفهوم شعر دقت دارد تا بکارگیری ابزار و صناعات ادبی. از جمله ویژگیهای زبانی این منظومه، بکارگیری برخی واژه‌های نادر یا ساختگی یا به عبارت دیگر، بیان عامیانه و همچنین واژه‌های کهن است. همچنین بکارگیری واژگان عربی در این منظومه بسیار دیده میشود. سراینده این مثنوی، از بسیاری از ویژگیهای زبانی و دستوری سبک خراسانی و هندی بهره برده است.

شاعر منظومه «فارغنامه» با زبانی بسیار ساده و توصیفی به روایت داستان میپردازد و این بدان معنا نیست که شاعر از صنایع ادبی استفاده نمیکند، بلکه در زمانی که شاعر پا به عرصه توصیف میگذارد و همچنین در عتابهایی که فارغ به روزگار دارد و یا در دعاها و طلب آمرزشی که از خداوند و ائمه دارد، با ادبیات فاخری روبرو هستیم. از میان صنایع بدیع لفظی در این منظومه، جناس و پس از آن تکرار، بالاترین بسامد را دارند. تشبیه و پس از آن استعاره پر بسامدترین صنایع در حوزه بدیع معنوی هستند. تشبیهات بکاررفته در این منظومه اغلب از نوع حسی به حسی است. همچنین کاربرد صنایع ادبی چون کنایه، تلمیح، و مراعات‌النظیر نیز بسیار است. درج ماده‌تاریخ ویژگی ممتاز فارغ‌نامه محسوب میشود.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسندگان است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

The Holy Quran.

- Fakhraei, Ebrahim. (۱۹۷۷). Gilan in the realm of poetry and literature, Tehran: Javidan, p.۵۳۷.
- FayyazManesh, Parand. (۲۰۰۴). Another look at the music of poetry and its connection with the subject, imagination and poetic feelings, *Persian Language and Literature Research*, New Era, Vol. ۴, ۱۶۳-۱۸۶.
- Fotouhi, Mahmoud. (۲۰۱۱). Stylistics, theories, approaches and methods, Tehran: Sokhan, p.۴۲.
- Fotouhi, Mohammad. (۲۰۱۴). Image Rhetoric, Tehran: Sokhan, p.۴۲.
- Graduation letter, Gilani graduate, Hossein Ibn Hassan, lithographic version No. ۳۸۱۶ University of Tehran.
- Graduation letter, Gilani graduate, Hussein Ibn Hassan, manuscript No. ۲۱۰۹۰۳, Central Library and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly.
- Homayi, Jalaluddin. (۲۰۰۴). Blot techniques and literary industries, Tehran: Homa, p.۴۴, ۴۸.
- Jamali, Shahrooz. (۲۰۰۴). Repetition of the basis of poetry music, *Kayhan Farhangi*, p. ۲۱۶, pp. ۶۰-۶۱.
- Karami, Mohammad Hossein & Hesampour, Sa'eed. (۲۰۰۴). Phonology and repetition in the poetry of Khaghani, *Persian Language and Literature Research Quarterly*, No. ۳, pp. ۱۳۷-۱۶۱.
- Mallah, Hossein Ali. (۱۹۸۸). The link between music and poetry, Tehran: Safa, p.۸۳.
- Mohseni, Ahmad. (۲۰۰۳). Row and music of poetry, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad, pp.۱۱-۱۳.
- Monzavi, Ahmad. (۱۹۷۲). List of Persian Manuscripts, V.۴, Tehran: Regional Cultural Institute, p.۳۴۵, ۵۳۷, ۵۳۹.
- Nozad, Fereydoon. (۲۰۰۲). A look at two articles by Gilani- Gilan: Political, *Literary and Cultural Quarterly of Gilan*, ۲ (۲).
- Sami'ei Gilani, Ahmad. (۲۰۰۵). Fundamentals of Poetry Stylistics, University of Rasht: *Journal of Literary Studies*, ۱(۲), pp.۴۹-۶۷.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (۱۹۹۱). Poetry music, Tehran: Agah, p.۵۱.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (۲۰۰۸). Images of Imagination in Persian Poetry, Tehran: Agah, p.۹, ۱۷۰.
- Shamisa, Sirus. (۱۹۹۹). A new look at Badie, Tehran: Ferdowsi, p.۳۰.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۰۳). Familiarity with rhyming propositions, Tehran: Ferdows, p.۱۳۰, ۲۲۵.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۰۴). Expression and meanings, Tehran: Ferdows, p.۶۲.

فهرست منابع فارسی

- قرآن کریم.
- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس. (۱۳۸۲). تهران: فردوس.
- بلاغت تصویر، فتوحی، محمد. (۱۳۹۳). تهران: سخن.
- بیان و معانی، شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). تهران: فردوس.
- پیوند موسیقی و شعر، ملاح، حسینعلی. (۱۳۶۷). تهران: صفا.
- تکرار اساس موسیقی شعر، جمالی، شهرروز. (۱۳۸۳). کیهان فرهنگی، شماره ۲۱۶، صص ۶۰-۶۱.
- ردیف و موسیقی شعر، محسنی، احمد. (۱۳۸۲). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). تهران: سخن.

صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۷). تهران: آگه.

فارغنامه، فارغ گیلانی، حسین بن حسن، نسخه چاپ سنگی به شماره ۳۸۱۶ دانشگاه تهران.

فارغنامه، فارغ گیلانی، حسین بن حسن، نسخه خطی به شماره ۲۱۰۹۰۳، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۳). تهران: هما.

فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، احمد. (۱۳۵۱). ج ۴، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.

گیلان در قلمرو شعر و ادب، فخرایی، ابراهیم. (۱۳۵۶). تهران: جاویدان.

مبانی سبک‌شناسی شعر، سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۸۴). نشریه ادب پژوهی، (۲) ۱، صص ۴۹-۷۶.

موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). تهران: آگه.

نگاهی به دو مقاله فارغ گیلانی - نوزاد، فریدون. (۱۳۸۱). گیلان: فصلنامه سیاسی ادبی فرهنگی گیلان، (۲) ۲.

نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس. (۱۳۶۸). تهران: فردوسی.

نگاهی دیگر به موسیقی شعر و پیوند آن با موضوع، تخیل و احساسات شاعرانه، فیاض‌منش، پرند. (۱۳۸۴). پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره ۴، صص ۱۶۳-۱۸۶.

واج‌آرایی و تکرار در شعر خاقانی، کرمی، محمدحسین؛ حسامپور، سعید. (۱۳۸۳). فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سوم، صص ۱۳۷-۱۶۱.

معرفی نویسندگان

ابوالفضل مرادی رستا: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، ایران.

(Email: a.moradirasta@cfu.ac.ir : نویسنده مسئول)

علی محمد مؤذنی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

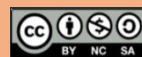
(Email: moazzeni@ut.ac.ir)

معصومه بهبودی: دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، پردیس البرز ایران.

(Email: Masumeh1992@gmail.com)

COPYRIGHTS

© 2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Abolfazl Moradi Rasta: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Iran.

(Email: a.moradirasta@cfu.ac.ir : Responsible author)

Ali Mohammad Moazzeni: Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Email: moazzeni@ut.ac.ir)

Masoumeh Behboodi: PhD student in Persian language and literature, University of Tehran, Alborz Campus, Iran.

(Email: Masumeh1992@gmail.com)